

خطر افتادن به تله توسعه

کمال اطهاری، پژوهشگر توسعه:

«درجا زدن ایران در فرآیند توسعه» بارها مورد انتقاد و تحلیل قرار گرفته است. با وجود تلاش گسترده، ایران نتوانسته از «مدار کشورهای در حال توسعه» خارج شود. فاصله ایران نه تنها با جهان، بلکه با همسایگان خود هر روز بیشتر میشود. بارها صاحب‌نظران نسبت به «بی‌توجهی سیاستگذاران» برای ورود به «اقتصاد و جامعه دانش» به عنوان یک گفتمان نوظهور جهانی هشدار دادند. همین موجب شد که موسسه مطالعاتی دین و اقتصاد در نشست «نسبت دانایی با

توسعه» که به بهانه انتشار کتاب «درآمدی بر سرمشق توسعه اقتصاد و جامعه دانش در ایران» برگزار شده بود به واکاو این سیستم در جهان و ملزومات آن بپردازد. کمال اطهاری، نویسنده کتاب «درآمدی بر سرمشق توسعه اقتصاد و جامعه دانش در ایران» به روش‌شناختی پرداخت و در نهایت چگونگی اهمیت یافتن دانش در اقتصاد را مورد بررسی قرار داد و از اجرای ناقص سیاست‌ها و انگزدها در کشور انتقاد کرد.



تبدیل شدن دانش به اساس دارایی

وی گفت: اگر تولید در طول زمان طبقه‌بندی شود، متوجه می‌شوید که

عامل اصلي رشد اقتصادي چه چيزي بوده است؟ يا منبع کشاورزي بوده که اقتصاد ايران هم بيشتر به اين صورت است يا نيروي کار يا سرمايه. در واقع در انتهاي دهه ۶۰ ميلادي، سرمايه و دانش در اولويت قرار گرفت. شما براي پي بردن به اهميت دانش در توليد بايد به اين نکته توجه کنيد که بزرگ‌ترين شرکتهای دنيا که ارزش سهام بالايي دارند، در دهه ۱۹۷۰ چيزي حدود هفتاد تا هشتاد درصد دارايي آنها دارايي ثابت و ملموس بوده، اما در حال حاضر تنها 10 درصد دارايي ملموس است و 90 درصد دارايي ناملموس است. يعني دانش به اساس داراييها و سهام آنها تبديل شده است. اطهاري تاکيد کرد: در حال حاضر امريکا هفتاد درصد واردات را به کالاهای دانش‌بر اختصاص داده است. خلاف رويه‌اي که در دهه ۱۹۶۰ حاکم بود. حال اين سوال مطرح ميشود که چه تفاوتی ميکند. کالاهای که تکنولوژی متوسط به بالا دارد را وارد ميکند. ديگر موارد اوليه وارد نميکند همچنانکه گوندره فرانک و بقيه انديشمندان توسعه در دهه ۱۹۶۰ به آن اشاره ميکردند.

اين درست نيست که همه چيز را خصوصي کنيد بعد چند شرکت دانش‌بنيان راه بيندازيد!

وي در ادامه افزود: جامعه دانش، جامعه‌اي است که دانش به مهارت فردي تبديل ميشود، اقتصاد دانش‌نيزمند جامعه دانش است که با سياست اجتماعي پرورده ميشود تا بتواند سياست از گهواره تا گور دانش بجوي را محقق کند. اين درست نيست که همه چيز را خصوصي کنيد بعد چند شرکت دانش‌بنيان راه بيندازيد! اين يعني در واقع روند معکوسي در کشور در حال اجراست. نئوليبراليسم هيچ وقت اين سياست را اجرا نميکند. در اين صورت ميتوان درک کرد که سيستم نئوفئودال چه بلایي بر سر جامعه آورده است. در واقع يك زيربنای سرمايه‌دارانه در بطن اقتصاد جهاني داريد ولي با بازگشت زور به اقتصاد روبه‌رو هستيد. مارکس گفته که سرمايه‌داري زماني به وجود مي‌آيد که زور از اقتصاد بيرون برود.

در توزيع نئوليبرال شيوه انتظام حاکم است نه غارت!

اطهاري در ادامه افزود: منظور از زور، رانت گرفتن و انحصار است. زماني که زور، رانت مي‌گيرد شما نمي‌توانيد اين اقتصاد را نئوليبرال بدانيد. نه در توليد و نه در توزيع. در توزيع نئوليبرال، شيوه انتظام حاکم است نه شيوه غارت. جامعه به انتظامي نياز دارد که چرخه سرمايه را به توليد و بازتوليد گسترده پيوند

بدهد. یکی از این مراحل، توزیع است یعنی وقتی کالایی در سرمایه‌داری تولید می‌شود. ارزش اضافی در تولید ایجاد می‌شود و اگر این کالا فروخته و مصرف نشود به سود تبدیل نمی‌شود. اگر کالایی تولید می‌شود و هیچ کس امکان خرید آن را ندارد همچون مسکن، به این سیاست اقتصادی نئولیبرال گفته نمی‌شود، چون در چارچوب سرمایه‌داری نمی‌گنجد، چون هدف این سیاست، غارت کردن است بدون اینکه مصرف بالا برود. در این صورت صد درصد قیمت مسکن بالا می‌رود و معاملات کاهش می‌یابد هیچ قاعده سرمایه‌دارانه‌ای بر آن حاکم نیست.

وی تصریح کرد: سرمایه‌داری دنبال بقای سیستم خود است، اما رانت‌جویی که بقا نمی‌خواهد. ما با چنین سیستم غارتگرانه‌ای در ایران روبه‌رو هستیم، اما برای شناخت نظام سرمایه‌داری باید اقتصاد دانش را بشناسیم. در واقع آزادسازی مالی در نئولیبرالیسم پشتیبان سرمایه‌داری مخاطره‌آمیز است تا پشتیبان نوآوری شود. ایالات متحده این سیستم را انتخاب می‌کند تا با آزادسازی مالی از نوآوری پشتیبانی کند. هر نوآوری این امکان را دارد که وارد بورس شود و با قیمت بالا به فروش برسد، زیرا سیستم پشتیبانی تولید در آمریکا بورس است نه بانک. در آزادسازی مالی نئولیبرالیسم وجه پنهان آنکه پشتیبان نوآوری شده است، دیده نمی‌شود. به این ترتیب، انباشت وارد اقتصاد دانش می‌شود. ورود آمریکا به اقتصاد دانش بر همه کشورهای دنیا تقدم داشته است.

اطهاری در ادامه افزود: با یک واژه نئولیبرالیسم ماجرا خاتمه نمی‌یابد. آمریکا این اقتصاد دانش را به کشورهای دیگر می‌برد به‌طور مثال، بیش انباشت اقتصاد دانش را به چین می‌برد. در واقع جهانی شدن را میسر می‌کند یعنی نئولیبرالیسم شیوه انتظام جهانی شدن سرمایه‌داری است. حتماً به یاد دارید که آقای ترامپ ضد جهانی شدن بود تا از کارگران آمریکایی دفاع کند که البته تقلبی بود. با وجود اینکه چین ضد جهانی شدن بود، ولی ۷۰۰ تا ۸۰۰ میلیون کارگرش الان موافق جهانی شدن هستند. الان باید چه کار کرد آیا باید جهانی شدن را کنار گذاشت؟ این بسیار ساده‌انگارانه است. هدف من نسخه پیچیدن نیست، بلکه هدف من این است که در مورد روش‌شناسی هشدار بدهم و گرنه این امکان وجود ندارد که در نظام جهانی سرمایه‌داری به قول والرشترین جایی برای خودمان پیدا کنیم، چون ابزار تحلیلی لازم را نخواهیم داشت.

تبدیل شدن ایران به برهوت دانایی

وي در ادامه افزود: وقتي دولت دانش، اين دانش را در اختيار شرکت بزرگ قرار مي‌دهد، اين تعهد را مي‌گيرد که بايد اين دانش را در اختيار شرکتهای پايين دست بعد از مدتي قرار بدهد. اين دولتها اصلا اجازه نمي‌دهند که مناطق عقب بمانند، همچون وضعيتي که در ايران حاکم است. همچنانکه کردستان و سيستان و بلوچستان وضعيت مطلوبي ندارند. در ايران تنها تهران و اصفهان در زمينه دانش عرض اندام کردند و بقيه ايران در حال تبديل شدن به برهوت دانش است. اين ساماندهي مناطق موجب شده که اين کشورها به چنين شرايطي دست پيدا کنند.

افتادن در تله جديد توسعه

وي در ادامه افزود: به کشورهای اسکاندیناوي هم دولت توسعه بخش گفته ميشود. فنلاند براي ساماندهي دانش تلاش کرده و در جهت ارتقاي نوآوري دانشگاهها را به هم پيوند زده است. به اين کشورها دولتهای توسعه بخش دموکراتيک گفته ميشود البته دموکراتيک را نمي‌توان در مورد چين به کار برد. تله توسعه جديد به اين معناست که يك دوره صنعتي شدن را پيمودند، اما الان نتوانستند وارد اقتصاد دانش بشوند اين تله شوروي را پايين آورد و از اقتصاد صنعتي نتوانست وارد اقتصاد دانش شود. مقوله دورانها و نسبت آن با توسعه از اهميت زيادي برخوردار است. اين دورانها در چنين شرايطي خودش را به خوبي نشان مي‌دهد. سازماني که نتواند وارد دوران جديد شود حتما فرو مي‌پاشد. براي همين از ده سال پيش اين هشدار را دادم که اگر جمهوري اسلامي اين رويه را ادامه دهد حتما فرو مي‌پاشد، زيرا ايران وارد جامعه دانش نشده است و با موشک هم نمي‌توان مانع فروپاشي شد وگرنه موشکهاي شوروي مي‌توانست تمام آسمانهاي جهان را بپوشاند، اما در نهايت فرو پاشيد. اطهاري تصريح کرد: برخي ايراد را مي‌گيرند که سرمايه‌داري اقتصاد دانش را ايجاد کرد تا بتواند بر جهان فائق شود، حال سوال اين است که مگر سرمايه‌داري، صنعت را ايجاد نکرد، پس چرا صنعتي شدن را در دستور کار قرار داديد، اما اقتصاد دانش را نادیده مي‌گيريد؟! مرتب بهانه‌هايي مطرح نمي‌کنند تا از زير بار وظيفه تاريخي در بروند.

ضرورت توجه به دموکراسي و غفلت ايران

وي تصريح کرد: ايران حتما بايد وارد اقتصاد و جامعه جهاني بشود. کشورهايي که دولت توسعه بخش داشتند تا دهه ۷۰ ميلادي که تمام کشورهای امريکاي لاتين جز برخي يا ايران بعد از انقلاب سفيد در اين

لیست بودند. در همه دولت‌های توسعه‌بخش يك نوع دیکتاتوری وجود دارد. انقلاب ۵۷ حرکتی بود تا جامعه دانش هم ایجاد شود، زیرا فرآیند صنعتی شدن را ایران پیموده بود، اما بدون دموکراسی جامعه دانش ایجاد نمی‌شود. فرآیندی که چین یا کره جنوبی در حال پیمودن است را بررسی کنید اینها در تلاش برای دموکراتیک شدن هستند تا به جامعه دانش برسند اینها در واقع دولت رفاه توسعه‌بخش هستند خلاف چیزی که در ایران دنبال می‌شود. به گزارش جماران از این نشست، اطهاری در پایان گفت: دولت رفاه توسعه‌بخش پیش‌تر development state گفته می‌شد. آن دولت‌ها تامین اجتماعی فراگیر نداشتند، اما دولت رفاه توسعه‌بخش گفته می‌شد. حالا شما این رویکرد را با سیاست‌های اجرا شده در ایران مقایسه کنید. در دولت‌های رفاه توسعه‌بخش در محله‌ها مراکز توسعه‌ای ایجاد شود به‌طور مثال سرای محله باید به مراکز توسعه تبدیل شود. صرفاً توسعه فنی جوابگو نیست، چون شعار از گهواره تا گور دانش بجوی، باید مدنظر قرار گیرد. به همین دلیل استارت‌آپ باید در سطح محله ایجاد شود. این نوع برخوردها باید وارد گفتمان ما بشود و مرتب نباید نولیبرال گفته شود باید این مطالبات مطرح شود و تنها نباید به آزادی عمومی بسنده کرد و باید محله سامان پیدا کند و در شرکت‌های اجتماعی کار گسترده انجام شود تا جریان دانش بتواند همه جامعه را در برگیرد در غیر این صورت دانش فراگیر نخواهد شد.

منبع: روزنامه اعتماد 16 اسفند 1402 خورشید □